

از صحن تا بیابان...



تاملی بر دو دوره ی هنری در حرم مطهر رضوی

در بدو ورود به صحن مسجد گوهرشاد تناسبات طول و عرض صحن با ارتفاع رواقهای اطراف و ایوانها که مجموعه را با یکدیگر درگیر می کند و کل واحدی را ایجاد می کند ولی در صحن جامع رضوی نسبت ارتفاع رواقهای اطراف و ایوانها یک فضای تهی شده و این عناصر از هم دور افتاده اند و ارتباط بصری و فضایی آنها با یکدیگر از بین رفته است.

در صحن مسجد گوهرشاد محیط انسانها را آرام کرده بطوریکه می توان دید که افراد به راحتی از تمام قسمتهای صحن برای عبادت، صحبت با یکدیگر و امور دیگر استفاده کرده و حالت معنوی خاصی بر این فضا حاکم است.

و بلعکس در صحن جامع رضوی از صحن به طور کامل استفاده نمی شود و فقط خطوطی که محورهای حرکتی جهت عبور از صحن می باشد دارای جمعیت بوده و این جمعیت هم روان بوده و به نوعی می توان گفت در حال فرار از صحن می باشند. به علت ابعاد وسیع این صحن این مکان از حالت صحن خارج شده و بیشتر به بیابانی می ماند که افراد از آن وحشت دارند و می خواهند هر چه سریع تر از آن عبور کنند و خود را از شر این بیابان خلاص کنند.

چون طول صحن بسیار زیاد انتخاب شده و در این فاصله افراد قادر به تشخیص چهره ها نمی باشند و این از لحاظ روانی افراد حاضر در این صحن را دچار تشویش روانی و استرس می کند و افراد هر چه سریعتر خود را از آن خارج می کنند تا از این تشویش رهائی یابند.

و به راحتی می توان مشاهده کرد که این صحن همیشه خالی به نظر می رسد و نقطه در مواقع خاص که هیچ جایی در حرم جهت استقرار باقی نمی ماند می توان آن را پر دید.

در این صحن نسبت های ضعیف ارتفاع و طول و عرض، ایجاد فضای تهی بجای فضای ما بین گشته و این مسئله پیوستگی فضایی درون و بیرون را از بین برده و باعث ایجاد فضاهای از هم گسسته شده که این باعث از بین رفتن یکی از اولین اصول معماری که پیوستگی فضایی بیرون و درون می باشد، شده است.

با ذکر این مثال می توان به خوبی به نقش فضاهای خالی در معماری اسلامی و پختگی در ایجاد این فضاها که در طول قرنها با ایجاد روابط هندسی مناسب بوجود آمده است پی برد.

از دوران شکوه معماری اسلامی سبک مساجد چهار ایوانی با صحن مرکزی چلیپائی آن، شاخصترین نمونه ی مساجدی است که می توان به آن اشاره کرد.

در معماری اسلامی ساختار مساجد و یا آرامگاهها به نوعی بوده است که خلق فضای آن کاملاً با امور دینی هماهنگی داشته و ایجاد فضاهای چند منظوره را جهت مراسم دینی و اجتماعی را در برنامه ی خود داشته است.

در این فضاها تناسبات هندسی مکان و احساس فضایی آن به گونه ای شکل گرفته است که انسان در هنگام حضور در آنها خواسته های دنیوی خود را کم اهمیت دیده و حالت معنوی او اوج گرفته و خود را در برابر وجود حق تعالی کوچک دیده و گاهی حس میکند روح او در حال حرکت به سوی آسمان می باشد تا خود را نزدیکتر به ذات مقدس حق تعالی ببیند.

این احساس را فضاهای معماری اسلامی بسیار زیبا تشدید می کند. تناسبات میان ارتفاع شبستانهای کناری، ایوان و گنبد و نسبت طول و عرض صحن مرکزی به ارتفاع ایوان و شبستانهای اطراف آن و از همه مهمتر توجه به مقیاس انسانی و اندازه ی موجود در این بناها این کیفیات را افزون می کند.

در این فضاها انسانها احساس نزدیکی به یکدیگر و برابری با هم و آرامش درونی را تجربه می کنند که این از خصوصیات فضایی این مکانها می باشد.

در این میان می توان فضای صحن را فضای ما بین ساختمانها دید که این فضای ما بین به ایجاد هویت فضاهای ساخته شده کمک می کند و به نوعی اتصال دهنده ی فضای بیرون به درون می باشد در این حالت خود، خود را در مکانی می یابد که ما بین درون و بیرون بوده و ارتباط فضایی و تداوم فضایی بین ساختمانها را تامین کرده و شخصیت واحدی را به این مجموعه بخشیده و کل مجموعه را با هم مرتبط کرده و وحدت در کارکرد آنها را تشدید می کند و به نوعی انسان استفاده کننده ی از این فضا در این فضا حل شده و خود را جزئی از آن می داند و احساس امنیت و آرامش را در خود می یابد.

برای درک این موضوع می توان دو نمونه از این فضاها را در شهر مشهد با هم مقایسه کرد.

از مجموعه ی حرم مطهر امام رضا (ع) صحن مسجد گوهرشاد که از دوران شکوه معماری اسلامی (دوره ی تیموری) در این مجموعه به یادگار مانده و صحن جامع رضوی که در این چند ساله به این مجموعه اضافه گردیده است.